



دومین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک ۳۰ دی ۱۴۰۰ - تهران

بررسی مداخله نهادهای سیاسی بر عملکرد اعتباری بانک های دولتی

حمید سالاری سعیدی

مدیریت شعب بانک سپه منطقه کرمان، کرمان، ایران

hasalari92@gmail.com

چکیده:

بانک یک نهاد اقتصادی است که با تأمین سرمایه اولیه، باهدف کسب سود، اقدام به دادن ارائه خدمات بانکی می نماید. فعالیت های اصلی بانک ها شامل جمع آوری وجوه مازاد صاحبان سرمایه، اعطای اعتبارهای به متقاضیان و ارائه خدمات بانکی است. از سویی دیگر، روابط سیاسی ممکن است در عملکرد بانک هم تاثیر مثبت و هم تاثیر منفی بگذارد که برای تشخیص تاثیر آن به تجزیه و تحلیلی تجربی نیاز است. در پژوهش حاضر مداخله نهادهای سیاسی بر عملکرد اعتباری بانک های دولتی مورد بررسی قرار می گیرد. بانک ها دارای ارتباطات سیاسی، با توجه به ارتباطات ایجادشده بانک با دولت، از این روابط استفاده می کنند و در سایه حمایت دولت نسبت به سایر بانک ها در شرایط بهتری از لحاظ تأمین مالی قرار دارند؛ از این رو در ساختار سرمایه، بانک های دارای ارتباطات سیاسی، نسبت بدهی ها بالاتر است. همچنین بانک ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط با دولت دارند؛ زیرا منافی نظیر دسترسی آسان به منابع خارجی در زمان تأمین مالی با کمترین هزینه را خواهند داشت.

کلمات کلیدی: سیاست، نهادهای سیاسی، ریسک، عملکرد اعتباری، بانک

مقدمه:

یکی از ابزارهای لازم و موثر برای توسعه اقتصادی کشور، وجود نظام بانکی کارآمد است. بانک ها نبض فعالیت های مالی هستند و وضعیت حاکم بر آنها می تواند تأثیر مهمی بر سایر بخش های اقتصادی یک جامعه داشته باشد. بانک ها با سازماندهی و هدایت دریافت ها و پرداخت ها، مبادله های تجاری و بازرگانی را تسهیل کرده و موجب گسترش بازارها، رشد و شکوفایی اقتصادی می شوند. با این حال، در سال های اخیر صنعت بانکداری به دلایل مختلفی از قبیل خطر یا هزینه های ناشی از نوسان های نرخ بهره، تورم، ارز و یا بازپرداخت نشدن تسهیلات پرداختی با چالش های متعددی روبرو شده اند. تداوم و شدت چنین چالش هایی برای صنعت بانکداری در دنیا و کشورها، بحران های متعدد اجتماعی را رقم زده است. (اعتمادی و احمدی، 1396)

در واقع، بانک یک نهاد اقتصادی است که با تأمین سرمایه اولیه، باهدف کسب سود، اقدام به دادن ارائه خدمات بانکی می نماید. فعالیت های اصلی بانک ها شامل جمع آوری وجوه مازاد صاحبان سرمایه، اعطای اعتبارهای به متقاضیان و ارائه خدمات بانکی



دومین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک ۳۰ دی ۱۴۰۰ - تهران

است. ریسک اعتباری به دلیل ارتباط آن با فعالیت های عملیاتی بانک ها (در زمینه های وام ها، معامله های بین بانکی، اوراق قرضه، معامله های ارز، سهام عادی، معامله های اختیار، صدور ضمانت نامه و سوآپ) یکی از مهم ترین ریسک های موجود در نظام بانکی است و در بیشتر مواقع زیان مربوط به ریسک اعتباری از سایر ریسک ها بیشتر است. وام ها بزرگ ترین و بدیهی ترین منبع ایجاد ریسک اعتباری در بانک ها هستند. به بیان دیگر، اعطای وام و تسهیلات بانک را در معرض ریسک قرار می دهد. وجود چنین ریسکی عملکرد بانک ها را می تواند به صورت نامطلوب متأثر کند. (براما، 2015)

یکی از مشکلات اساسی نظام بانکی در ایران ریسک اعتباری است، به دلیل اینکه منابع پولی زیادی در بانک های خصوصی و دولتی در قالب اعتبار به متقاضیان تسهیلات ارائه می شود و بازگشت این منابع، در تداوم حیات و توسعه بانک ها- ضرورتی آشکار دارد. بنابراین بانک ها برای ادامه حیات خود باید ریسک ها را کنترل نموده و اثرات نامطلوب آن را کاهش دهند که برای این کار، بررسی اثرگذاری ریسک اعتباری بر عملکرد بانک ضرورت دارد. از سوی دیگر در اقتصادهای در حال توسعه همچون ایران به دلیل عدم توسعه مناسب و کافی بازار سرمایه و ناکارایی های موجود در این بازار، در عمل بازار پولی است که در چارچوب نظام بانکی عهده دار اصلی تأمین مالی بلندمدت و کوتاه مدت بنگاه ها و فعالیت های اقتصادی است. بر همین اساس اطمینان از مدیریت ریسک و عملکرد صحیح نظام بانکی در این کشورها حائز اهمیت است. (چاوشی و همکاران، ۱۳۹۴)

2

ریسک اعتباری بانک ها:

سابقه ریسک اعتباری در بانکداری به اندازه فعالیت بانکداری قدمت دارد و برخلاف ایجاد تنوع در خدمات بانکداری، ریسک ها افزایش داشته اند، زیرا گسترش فعالیت های بانکداری، عدم توانایی وام گیرندگان در بازپرداخت بدهی، ورود به حوزه های بانکداری بین المللی و بروز بحران های مالی، ریسک های جدیدی را به دنبال داشته است. تعاریف متعددی از ریسک در منابع مختلف علمی را می توان یافت که البته هر کدام از این تعاریف بسته به بعد یا زاویه دید خود، تعریف متفاوتی از ریسک را ارائه کرده اند. واژه ریسک به احتمال ضرر، درجه احتمال ضرر و میزان احتمال ضرر اشاره دارد. در این راستا ریسک احتمال خطر و هم احتمال سود و هم احتمال زیان را دربر می گیرد. در حالی که ریسک خالص فقط احتمال زیان را دربر می گیرد و شامل احتمال سود نمی شود. در صورتی که اطمینان کافی نسبت به تغییرهای وجود داشت، تغییرات مطمئن در چارچوب منافع و مزایای پیش بینی شده پوشش پیدا می - کرد در حالی که عدم امکان پیش بینی ناشی از احتمالی بودن تغییرهای، آن را به ریسک حاکم بر منافع و مزایا تبدیل کرده است. مدیریت ریسک فرایندی است که هدف آن کاهش امکان آثار زیان آور یک فعالیت از طریق اقدام آگاهانه برای پیش بینی حوادث ناخواسته و برنامه ریزی برای اجتناب از آن ها می باشد. مهم ترین ریسک هایی که سیستم بانک را با آن مواجه می کند، به دسته های ریسک اعتباری، ریسک بازار، ریسک عملیاتی، ریسک قانونی، ریسک کفایت سرمایه، ریسک نرخ بازده، ریسک پول یا نرخ ارز و ریسک نقدینگی ذیل تقسیم بندی می شوند. به هر حال ریسک به عنوان یک تهدید، فعالیت بانک ها را تحت تأثیر قرار داده است و در این میان ریسک اعتباری به دلیل ناشی شدن از مهم ترین عملیات بانکی یعنی اعطای وام و تسهیلات از اهمیت دو چندان برخوردار است. ریسک اعتباری یکی از مهم ترین عوامل تأثیرگذار بر سلامت سیستم بانکی است. (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۶)



دومین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک ۳۰ دی ۱۴۰۰ - تهران

ریسک مربوط به زیان های ناشی از عدم بازپرداخت یا بازپرداخت با تأخیر اصل یا فرع وام از طرف مشتری ریسک اعتباری نامیده می شود. در تعریف دیگر، ریسک اعتباری عبارت است از احتمال تعویق، مشکوک بودن وصول یا عدم وصول شدن تسهیلات ارائه شده به مشتریان است. به عبارتی ریسک اعتباری ریسکی است که بر اساس آن قرض کننده وجه قادر به پرداخت اصل و (فرع) وام خود طبق شرایط مندرج در قرارداد نمی باشد؛ به عبارت دیگر مطابق این ریسک، بازپرداخت ها یا با تأخیر انجام شده و یا وصول نمی شوند. این امر موجب ایجاد مشکلاتی در گردش وجوه نقد بانک می شود. چهار شاخص به طور گسترده به منظور تعیین میزان ریسک اعتباری برای بانک ها در نظر گرفته می شوند. الف - نسبت دارایی های تحقق نیافته (اجراننده) به کل وام ها و دارایی های استیجاری؛ دارایی های تحقق نیافته دارایی های درآمدزایی همچون وام هاست که ۹۰ روز از سررسید آن ها گذشته باشد. ب - نسبت خالص وام های سوخت شده به کل وام ها و دارایی های استیجاری؛ وام های سوخت شده وام هایی است که امکان وصولشان برای بانک وجود ندارد و در عمل بی ارزشند و بانک ها آن ها را از دفاترهای خود حذف کرده اند. ج - نسبت ذخیره احتیاطی سالانه زیان وام ها به کل وام ها و دارایی های استیجاری و یا کل حقوق صاحبان سهام. د - نسبت ذخیره مطالبه های مشکوک الوصول به کل وام ها و دارایی های استیجاری. عدم توجه به ریسک اعتباری سبب کاهش نقدینگی و سودآوری بانک ها می شود. (احمدوند و همکاران، ۱۳۹۶)

3

ارتباطات سیاسی در بانک ها:

مدیران ممکن است در بانک ها با استفاده از وسایل غیر موجه برای بدست آوردن نتایجی که از طرف سازمان توجیه نشده است، تحقق هدف های شخصی خود با متوسل شدن به حربه های غیراخلاقی ترغیب شوند. در آن صورت رفتار آنان سیاسی خوانده می شود اصولاً دو دیدگاه در مورد این واژه ها وجود دارد، بعضی آنها را بسیار ناپسند می شمارند و با حيله و نیرنگ و یا از پشت خنجر زدن مترادف می دانند. اما بعضی نیز آن را به عنوان شمشیر دو لبه قلمداد می کنند که یک لبه آن بر اساس فلسفه ماکیاوول بنا نهاده شده و لبه دیگر به عنوان هنری خلاق است که منتفع و رقیب را با هم آشتی می دهد بعضی افراد باید با هم کنار بیایند و از مواجهه با یکدیگر بپرهیزند و با هم همزیستی داشته باشند و سازمان نیز جایی است که در آن افراد به هم ملحق می شوند و با هم کار می کنند چون منافع شخصی آنان تامین می شود. (مازندرانی و سعیدی، ۱۳۹۷)

به دلیل وجود شواهد بین المللی در زمینه وجود ارتباطات سیاسی بین دولت و بانک ها، تعداد زیادی از مطالعات، پدیده ارتباطات سیاسی در بانک ها را بررسی کرده اند. شاخص ارتباطات سیاسی، سه بعد اقتصادی، اجتماعی و فردی دارد.

- بعد اقتصادی ارتباطات سیاسی عبارت است از درصد مالکیت مستقیم دولت از سهام بانک ها، به گونه ای که بیش از پنجاه درصد از سهام بانک متعلق به دولت باشد.
- بعد اجتماعی ارتباطات سیاسی عبارت است از سرمایه گذاری نهادهای وابسته به دولت در ساختار مالکیت بانک که بیان کننده حمایت نهادی دولت است. به عبارت دیگر، بعد اجتماعی عبارت است از درصد سهام نگهداری شده بانک های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه که این بانک ها شامل بانک های بیمه، مؤسسه های مالی، بانک ها، بانک های دولتی و دیگر اجزای دولت اند.



دومین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳۰ دی ۱۴۰۰ - تهران

- بعد فردی ارتباطات سیاسی نیز عبارت است از بانک‌هایی که در ساختار مالکیت آنها یکی از سهام‌داران عمده بانک (سهام‌داری که بیش از 10 درصد سهام بانک را در اختیار دارد) از شخصیت‌های سابق یا زمان حاضر در دولت باشد. (بوباگری، ۲۰۱۹)

اما در ادبیات پژوهشی اخیر، ارتباطات سیاسی بانک و دولت، بیشتر در قالب حضور سرمایه‌گذاران عمده وابسته به دولت در ساختار مالکیت بانک (بعد فردی ارتباطات سیاسی) بررسی شده است. به‌طور کلی سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار به دو دسته سهام‌داران حقیقی و سهام‌داران حقوقی تقسیم می‌شوند. سهام‌داران حقیقی طیف گسترده‌ای از سهام‌داران یک بانک‌اند که بخشی از این سهام‌داران ممکن است شخصیت‌ها و سیاست‌مداران وابسته به دولت باشند. (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶)

روابط سیاسی و عملکرد اعتباری بانک :

درک عوامل تأثیرگذار بر عملکرد اعتباری بانک‌ها اهمیت بسیاری دارد. مداخله نهاد های سیاسی و ارتباطات سیاسی از عواملی است که بر عملکرد اعتباری بانک‌ها تأثیر می‌گذارد و این موضوع در ادبیات پژوهشی اخیر، توجه چشمگیری را در سرتاسر جهان به خود معطوف کرده است. اصطلاح ارتباطات سیاسی به‌منظور بیان روابط نزدیک بین دولت و واحدهای تجاری استفاده می‌شود. (بلیس، 2012) در جوامعی که بین دولت و واحدهای تجاری ارتباطات نزدیک وجود داشته باشد، از پیوند میان سیاست و کسب‌وکار چیزی به وجود می‌آید که "اقتصاد رفاقتی" نامیده می‌شود. در این شرایط، شرکت‌ها از ارتباطات سیاسی با دولت به‌عنوان مزیت رقابتی استفاده می‌کنند و در سایه حمایت سیاسی دولت، عملکرد شرکت را با کانال‌های مختلفی، همچون تسهیل دسترسی به وام‌های بانکی با هزینه کمتر و تأمین مواد اولیه با شرایط آسان‌تر، مقررات آسان و پرداخت مالیات کمتر، بهبود می‌بخشند. (پژوهشکده پولی و مالی، ۱۳۹۷)

حمایت سیاسیون از شرکت‌ها در قالب ارتباطات سیاسی به شرکت‌ها کمک می‌کند تا از این مزیت استفاده کنند، منابع مالی بیشتری به دست آورند و توانایی دسترسی به وام‌های بانک‌های وابسته به دولت و اعتبارات تجاری با هزینه پایین را افزایش دهند. در صورتی که شرکتی ارتباط سیاسی داشته باشد، احتمال کمتری برای مواجه شدن با مشکلات تأمین مالی وجود دارد؛ زیرا منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری را بهتر و راحت‌تر از سایر شرکت‌ها از طریق منابع مالی خارج از شرکت می‌تواند تأمین کند. به عبارت دیگر، مواقعی که شرکت با مشکلات تأمین مالی مواجه می‌شود، به‌علت داشتن ارتباطات سیاسی و تمایل اعتباردهندگان که مایل‌اند با شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، همکاری و به‌راحتی کمبود منابع را تأمین کنند، اثر مشکلات تأمین مالی برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی کاهش می‌یابد.

محققان از زاویه دیگر، تأثیر ارتباطات سیاسی بر سیاست‌های تأمین مالی را بررسی کردند. آنها استدلال کردند اعتباردهندگان در برابر شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی با حمایت سیاستمداران معمولاً رفتارهای تبعیض‌آمیزی از خود نشان می‌دهند و با ایجاد محیطی انحصاری که این شرکت‌ها را در برابر رقبای خود حفاظت می‌کند، عملیات و فعالیت‌های آنها را تسهیل می‌کنند. (آلتن، ۲۰۰۵) این شرکت‌های دارای حمایت سیاسی می‌توانند با اعمال فشار به بانک‌ها وام بگیرند. همچنین، با اعمال فشار بر تأمین‌کنندگان، از مزیت خرید اعتباری استفاده کنند و از این اعتبارات تجاری بهره‌مند شوند؛ از این‌رو شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، ممکن است بدهی بیشتری در ساختار سرمایه داشته باشند. در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی به‌دلیل بدهی‌های



دومین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک

۳۰ دی ۱۴۰۰ - تهران

زیاد در ساختار سرمایه، ریسک عدم بازپرداخت بدهی‌ها بالاست و رتبه اعتباری چنین شرکت‌هایی پایین است، اما ممکن است اعتباردهندگان تمایل داشته باشند با شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی همکاری کنند و به این شرکت‌ها وام دهند؛ زیرا اعتباردهندگان معتقدند شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی با وجود پرمخاطره بودن و داشتن ریسک بالای اعتباری، هنگام مواجهه با مشکلات مالی می‌توانند به واسطه حمایت سیاسی، کمک‌های مالی از دولت دریافت کنند؛ از این رو توانایی بالاتری در بازپرداخت بدهی‌هایشان خواهند داشت، بنابراین، انتظاری رود روابط سیاسی بر عملکرد اعتباری بانک‌ها تأثیر بگذارد. (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۸)

یکی از راه‌کارهای پیش روی دولت برای کنترل واحدهای اقتصادی، به دست آوردن سهام بانک‌ها از طریق مالکیت سهام‌دار عمده سیاسی (مالکیت بیش از 10 درصد) در ساختار مالکیت بانک‌هاست. دولت از طریق این ارتباطات، در بانک‌ها نفوذ می‌کند. همچنین، حضور سرمایه‌گذاران وابسته به دولت می‌تواند بر سیاست‌های مالی بانک تأثیر داشته باشد. به این منظور، این بانک‌ها را بانک‌های دارای ارتباطات سیاسی می‌نامند. بانک‌ها نیز تمایل زیادی به برقراری روابط با دولت و افشای این روابط در گزارش‌های مالی خود برای استفاده از آن به عنوان یک مزیت رقابتی دارند؛ زیرا با حمایت‌های سیاسی از طریق روابط، منافع زیادی نظیر دسترسی راحت‌تر به تأمین مالی خارجی، کاهش هزینه بدهی، کاهش مالیات و تعرفه‌ها و بهبود فرصت‌های رشد و کاهش احتمال وقوع ورشکستگی برای بانک به دنبال دارد؛ بنابراین، در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم و با ارزش برای بانک‌ها است. (عیوضلو، ۱۳۹۸)

دولت، اصلی‌ترین حامی اقتصاد هر کشور، همواره نقش قیم را برای واحدهای اقتصادی در هر جامعه دارد؛ از این رو ارتباطات سیاسی با دولت به طور گسترده در اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود دارد و در بسیاری از کشورهای اروپایی، آسیایی و آمریکای لاتین مشاهده شده است. در کشور ایران نیز دولت نقش بزرگی در اقتصاد دارد و وجود ارتباطات سیاسی با دولت در برخی شرکت‌ها مشاهده می‌شود و به دنبال این روابط، همانند سایر کشورها، بر سیاست‌های تأمین مالی و ساختار سرمایه شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. در کشور ایران برخی شرکت‌ها دارای ارتباطات سیاسی‌اند؛ اما تاکنون موضوع تأثیر ارتباطات سیاسی بر جنبه‌های مختلف سیاست‌های تأمین مالی در محیط اقتصادی ایران بررسی نشده است؛ از این رو خلأ پژوهشی در این خصوص در کشور مشهود است.

نتیجه گیری :

امروزه بانک‌ها نقش مهمی در ایجاد ارتباط بین بخش واقعی و بخش پولی اقتصاد بازی می‌کنند. بانکداری نیز مانند سایر فعالیت‌های اقتصادی با ریسک‌های مختلفی مواجه است که در این بین ریسک اعتباری عملکرد بانک از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد که ریسک عملکرد اعتباری بانک‌ها تحت تأثیر متغیرهای اقتصاد کلان قرار دارد. بانک‌ها تمایل زیادی به برقراری ارتباط با دولت دارند؛ زیرا منافع نظیر دسترسی آسان به منابع خارجی در زمان تأمین مالی با کمترین هزینه را خواهند داشت. می‌توان چنین تبیین کرد که ارتباطات سیاسی بر نسبت بدهی‌های کوتاه‌مدت، نسبت بدهی‌های بلندمدت و نسبت مجموع بدهی‌ها تأثیر مثبت و معناداری دارد و بانک‌های دارای ارتباطات سیاسی نسبت به بانک‌های بدون ارتباطات سیاسی، بدهی‌های بیشتری در ساختار سرمایه خود دارند. این بدان معناست که بانک‌های دارای ارتباطات سیاسی، با



دومین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک ۳۰ دی ۱۴۰۰ - تهران

توجه به ارتباطات ایجادشده بانک با دولت، از این روابط استفاده می‌کنند و در سایه حمایت دولت نسبت به سایر بانک‌ها در شرایط بهتری از لحاظ تأمین مالی قرار دارند؛ از این‌رو در ساختار سرمایه بانک‌های دارای ارتباطات سیاسی، نسبت بدهی‌ها بالاتر است.

منابع:

- ابراهیمی، کاظم، بهرامی نسب، علی و اسحاق کریمی. (1398). ارتباطات سیاسی، کیفیت حساسی، بحران مالی، هزینه‌های نمایندگی، دانش حساسی، شماره 73، 102-79
- احمدوند، میثم، رضایی، شعیب و حسین تملکی. (1396). شناسایی و تبیین فاکتورهای تعیین‌کننده رتبه اعتباری مورد مطالعه: بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، شماره 1، 154-135
- اعتمادی، حسین و جلیل احمدی گورجی. (1396). بررسی اثر ارتباط سیاسی بر سرمایه‌گذاری و کاهش محدودیت‌های تأمین مالی در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری و حساسی، شماره 34، 23-4
- پژوهشکده پولی و بانکی. (1397). چالش‌های پولی و بانکی اقتصاد ایران. تحلیل وضعیت و توصیه‌های سیاست. تهران: بانک مرکزی
- تاری وردی، یداله، دسینه، مهدی و علی تقی‌زاده. (1393). بررسی ارتباط میان فرصت‌های سرمایه‌گذاری، تأمین مالی شرکت‌ها و سیاست‌های تقسیم سود سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های نوین در حسابداری، شماره 4، 107-93
- جعفری، محبوبه و میثم احمدوند. (1394). رتبه‌بندی اعتباری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از رویکرد امتیاز بازار نوظهور، پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، شماره 10، 56-37
- چاوشی، کاظم، رستگار، محمد و محسن میرزائی. (1394). بررسی رابطه اطمینان بیش از حد مدیران و انتخاب سیاست‌های تأمین مالی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، شماره 25، 41-29
- عیوضلو، حسین. قلیچ‌وهاب. (1398). بانکداری اخلاقی با رویکرد اسلامی: ضوابط اخلاقی و تدابیر ساختاری. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی
- مازندرانی شیده، سعیدی پرویز. (1397). تاثیر ارتباطات سیاسی بر عملکرد مالی و ریسک تسهیلات بانکی، فصلنامه پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، صص 14-1

- Altman, E. I., & Hotchkiss, E. (2005). Corporate financial distress and bankruptcy: predict and avoid bankruptcy, analyze and invest in distressed debt (3rd ed.). New York: John Wiley and Sons.



دومین کنفرانس ملی مدیریت و تجارت الکترونیک ۳۰ دی ۱۴۰۰ - تهران

- Bliss, M., & Gul, F. A. (2012). Political connections and cost of debt: Some Malaysian evidence. *Journal of Banking & Finance*, Vol. 36, No. 1, pp. 1520–7.
- Boubakri, N., Guedhami, O., Mishra, D., & Saffar, W. (2019). Political connections and the cost of equity capital. *Journal of Corporate Finance*, Vol. 18, No. 1, pp. 541–59.
- Braama G., Monomita, N., Weitzela, U., & Lodh, S. (2015). Accrual-based and real earnings management and political connections. *The International Journal of Accounting*, Vol. 50, No. 1,